

خبر

واکنش سخنگوی دولت و معاون پارلمانی به احتمال استیضاح ۲ وزیر با ترمیم کابینه

شایعه‌است

● شرق: این روزها هرگاه کلمه «استیضاح» شنیده می‌شود، نام دو وزیر دولت سیزدهم یعنی احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد و بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت نیز در کنار آن می‌آید، هرچند دولتی‌ها از شنیدن اخبار و شایعات آن گلایه داشته باشند و همچنان بر همدلی دولت و مجلس تأکید کنند. سخنگوی دولت روز گذشته در نشست خبری خود وقتی با پرسش یکی از خبرنگاران درخصوص شایعه تغییر و ترمیم کابینه مواجه شد، گفت: «خواش می‌کنم از انعکاس هرگونه شایعه به‌ویژه در حوزه‌هایی که دغدغه مردم هست و با معیشت مردم سروکار دارد، پرهیز شود، رابطه دولت با مردم شفاف است و هر تصمیم که بخواهد اتخاذ شود، اول با مردم در میان گذاشته می‌شود. همه تصمیمات اقتصادی دولت با همدلی و همکاری تیم اقتصادی اتخاذ می‌شود.

علی بهادری جهرمی از هماهنگی بین اعضای تیم اقتصادی گفت و عنوان کرد: «کنترل بازار ارز و تصمیمات خوبی که برای تثبیت بازار سرمایه اتخاذ شد، تصمیماتی است که در جلسات مستمر ستاد هماهنگی اقتصادی با حضور تیم اقتصادی دولت و با همدلی و همکاری مشترک همیشگی انجام می‌شود و موضوعات بخشی نیست؛ پس همه تصمیمات اقتصادی در ستاد هماهنگی اقتصادی دولت به صورت مشترک تحت مدیریت معاون اول رئیس جمهور اتخاذ می‌شود. به گواه بسیاری از افرادی که در دولت‌های مختلف حضور داشته‌اند، همدلی، هماهنگی و همکاری موجود در بین اعضای اقتصادی دولت کم‌نظیر است». سخنگوی دولت چند روز پیش نیز در دفاع تمام‌قد از وزیر اقتصاد در توییت نوشت: «تلفیق عناصر تخصص، تعهد و جوانی در وزارت اقتصاد، نوید روزهای خوب را می‌دهد، منظر تحول اقتصادی به نفع مردم باشد».

البته او روز گذشته مانند وزیر اقتصاد مشکلات را به هر کردن دولت قبل انداخت و گفت اصلاح نظام اقتصادی کار میان‌مدت و بلندمدتی است و تورم امروز به دلیل اقدامات دیروز است. بهادری جهرمی همچنین گفت که ثبات حوزه ارز حاصل همکاری‌های مشترک تیم اقتصادی دولت است. احسان خاندوزی نیز وقتی در آبان ماه برای پاسخ‌گویی درباره بازار بورس به مجلس فراخوانده شده بود، گفته بود که دولت حسن روحانی مقصر اوضاع است. معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی نیز روز گذشته از دامن‌زدن به استیضاح وزرا گلایه کرده بود. محمد حسینی در جمع معاونان پارلمانی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها گفته: «اگرچه هیچ استیضاحی در هیئت‌رئیسه مجلس اعلام وصول نشده، اما گاهی می‌بینیم که چنین مسائلی را دامن می‌زنند تا افترقی ایجاد کنند». اشاره او به مطرح شدن شایعه استیضاح وزیر بهداشت است که روز یکشنبه مطرح شد؛ هرچند محسنی‌بندی از اعضای کمیسیون بهداشت مجلس آن را تکذیب کرد. با این حال حسینی به دفاع از وزیر پرداخت و عنوان کرد که به جای استیضاح باید بهرام عین‌اللهی را تشویق کرد. او گفت: «وزارت بهداشت درباره کنترل کرونا و واکسناسیون کار بزرگی انجام داد، شما الان وضعیت برخی کشورها را ببینید، بنابراین این اقدامات جای قدردانی و تشکر دارد». معاون پارلمانی رئیسی چندی پیش نیز از نمایندگان مجلس خواسته بود تا به وزرا فرصت بدهند.



جمهوری اسلامی ایران

وزارت راه و شهرسازی

۱- نام **دستگاه مزایده‌گذار**: اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان

۲- **موضوع مزایده**: اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان در نظر دارد، تعداد (۲) پلاک زمین دولتی با کاربری تجاری را واقع در شهرستان اهواز (کوی معین زاده) را طبق مشخصات و شرایط ذیل از طریق مزایده به صورت نقدی به فروش برساند.

۳- **زمان، مهلت و دریافت اسناد و شرایط مزایده**: از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ لغایت ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ (تا ساعت ۱۹) از طریق سامانه تدارکات دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR دریافت نمایند.

۴- **زمان و ارائه پیشنهادها**: از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ لغایت ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ لغایت ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۷ پیشنهاد قیمت و بارگذاری فیش واریزی یا ضمانت نامه از طریق تدارکات دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR می باشد.

۵- **زمان و محل ارائه پاکت (الف)**: یک شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ از ساعت ۷/۳۰ لغایت ۱۴ به آدرس امانیه- خیابان شهید مدرس- اداره کل راه و شهرسازی خوزستان دبیرخانه تحویل گردد.

۶- **زمان و محل بررسی پیشنهادها**: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ ساعت ۸ صبح به آدرس: امانیه- خیابان شهید پودات اداره کل راه و شهرسازی طبقه ۲ سالن جلسات

۷- **تاریخ بازدید از محل**: از تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۲ لغایت ۱۴۰۰/۱۱/۰۵ ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۳ اداره راه و شهرسازی اهواز

شماره مزایده	پلاک ثبتی	مساحت (متر مربع)	مبلغ کل پایه (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)	نشانی
۱۴۰۰۳۷-۱	۱۵۷۸/۹۲۳۸	۹۸	۱۵/۶۸۰,۰۰۰/۰۰۰	۷۸۴/۰۰۰/۰۰۰	اهواز- کوی معین زاده- خیابان نارون
۱۴۰۰۳۷-۲	۱۵۷۸/۹۲۴۰	۲۸	۳/۹۲۰,۰۰۰/۰۰۰	۱۹۶/۰۰۰/۰۰۰	

اداره ارتباطات و اطلاع رسانی

اداره کل راه و شهرسازی خوزستان

سیاست

«روایت شورای انقلاب» در گفت‌وگو با محمد جواد مظفر به بهانه سالروز تأسیس آن

بالاترین حقوق شورای انقلاب را آقا‌ایوب آبدارچی می‌گرفت



من زنگ زدمند که ما به شدت نیازمند مدیر برای رادیو تلویزیون آبادان هستیم، من هم سریع به آقای باهنر گفتم که مدیر نیاز داریم که یک‌باره گفتند خودت می‌روی؟ من جا خوردم اصلا چنین چیزی در خودم نمی‌دیدم اما به همین سادگی بود. فقط کافی بود من قبول کنم همان روز حکم مسئولیت من صادر می‌شد. اصلا کاری نداشتند تحصیلات و تخصص شما چیست مهم این بود که فقط جزء طیف نیروهای هوادار امام و مورد تایید باشید.

آ ششگفتی‌ها و درگیری‌های اول انقلاب تا چه حد در شورای انقلاب احساس می‌شد؟ آیا بروز و ظهور این تحولات به صورت واقعی مدنظر اعضا بود؟

یک زمانی هم غائله حزب خلق مسلمان که هواداران آیت‌الله شریعتمداری بودند پیش آمده بود و یک دفعه ما شنیدیم تبریز شلوغ شده است؛ در دفتر شورای انقلاب یک تلفن به نام تلفن ویژه وجود داشت که وقتی گوشی را برمی‌داشتید با دو شماره با هر وزیر و مسئولی می‌شد صحبت کرد، من از آن تلفن به استانداری آذربایجان زنگ زدم. یک آقا‌یی گوشی را برداشت گفتم آقای استاندار، گفت آقای استاندار فرار کرد ما استانداری را اشغال کردیم! فضای کشور همین‌قدر آشفته بود! مثلا آن زمان که مرحوم چمران که وزیر دفاع بود خاطرم هست یک هواپیمای مسافربری در مسیر مشهد سقوط کرد و مدت‌ها جعبه سیاه هواپیما کنار اتاق من در راهرو شورای انقلاب بود تا وزارت دفاع بیاید و آن را تحویل بگیرد!

خاطرم هست شش‌بک یک نفر از ما اعضای دبیرخانه و یک نفر از اعضای شورای انقلاب کشیک می‌ایستادیم تا اگر اتفاقی افتاد تصمیم‌گیری کنیم. یک شب در آذر ۵۸، نوبت مشترک من و مهندس بازارگان بود و جلوی اتاق شریف‌امامی قدم می‌زدیم. مهندس بازارگان را هم از قبل انقلاب می‌شناختم. آن موقع خواستم مقداری شیطنت کنم، گفتم آقای مهندس شما معتقد بودیم شاه برود ولیعهد بیاید. یک‌باره گفت: «من الان هم معتقدم، نهاد دولت در ایران غربی است و روحانیت ما سنتی است و این دو هیچ‌گونه سازگاری با هم ندارند».

● به‌واقع مسئولان آن دوره تا چه حد شایسته سمت‌هایی بودند که در آن قرار گرفتند؟ آیا تخصص لازم برای اداره امور در میان آن نیروها وجود داشت؟

آقای بهشتی از نظر مدیریت یک سر و گردن از باقی روحانیون بالاتر بود و بقیه مسائل اداری و تشکیلاتی و اداره امور را یاد نگرفته بودند. خاطرم هست آقای بهشتی خیلی روی مسائل اداری و نظم تأکید داشت. یک بار هم ظهر در همان دفتر بعد از ناهار یکی از کارمندان سر خود را روی میز گذاشته و خوابش برده بود. آقای بهشتی این صحنه را دیده بود و من را صدا کرد و گفت اگر کسی خسته است ۱۰ دقیقه استراحت کند، بعد سر کار خود برگردد.

حتی آقای هاشمی‌رفسنجانی که سرپرست وزارت کشور شده بود، در روزهای اول کارتابسل را روبروی میز او گذاشته بودند. الا اینها کارتابسل را نمی‌شناختند. در نامه‌های از پیش نوشته‌شده، نام آقای هاشمی پایین نامه به‌عنوان وزیر بود تا ایشان امضا کند؛ اما آقای هاشمی می‌گوید من کی این نامه‌ها را نوشته‌ام؟ یعنی آقای هاشمی بلد نبود که در یک وزارتخانه نامه‌ها نوشته و تنظیم می‌شود، وقتی قرار است برای جای دیگری برود، باید وزیر امضا کند نه اینکه هر نامه‌ای که می‌رود شما باید نویسنده آن باشی. واقعا این مسائل را نمی‌دانستند، اما آقای بهشتی یک سر و گردن از تمام اینها بالاتر بود.

● چه رفتار مشخصی از شهید بهشتی در شورای انقلاب و تفاوت او با دیگران را به یاد می‌آورید.

آقای بهشتی یک بار گفتند جلسه شورای انقلاب که تمام شد به جلسه بیایید و خود را معرفی کنید تا اعضا برای ارتباط شما را بشناسند. نوار صوتی آن جلسه نیز در سایت شهید بهشتی موجود است. جلسه که آغاز شد من به‌عنوان بزرگ‌تر بچه‌ها با مواضع تند انقلابی شروع به انتقاد کردیم که شورای انقلاب هیچ جایگاهی در میان جوانان و نیروهای انقلاب ندارد و شما راه را غلط می‌روید و از این حرف‌ها؛ صحبت من و دوستان که تمام شد، تنها کسی که موضوع‌گیری کرد، آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که گفت آقای بهشتی قرار ما این نبود، حرف‌های این آقایان جواب دارد و الان زمان پاسخ آن نیست. آقای بهشتی خیلی آدم رواداری بود و گفت دوستان ما بچه‌های انقلابی و پایبندی هستند و می‌توانیم جلسه دیگری بگذاریم و بیرامون همین محبات صحبت شود. البته جلسه دوم برگزار نشد.

● دوره سوچ ترورها و تحولات رادیکال کشور را فرارگفته بود. بروز این اتفاقات تا چه حد شورای انقلاب را تحت تأثیر خود قرار داد؟

صبح ۲۷ آذر ۵۸، یکی از اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی که بعدا در حادثه هفتم تیر شهید شد به من تلفن زد که همین الان آقای مفتاح ترور شد. من سریع به سمت اتاق آقای باهنر دویدم و با آقای معادی‌خواه که در آنجا ایستاده بود، گفتم همین الان خبر آمد که آقای مفتاح ترور شد؛ آقای باهنر پس از شنیدن خبر گفت عجب! و دوباره

به بحث‌شان ادامه دادند. روحیه خونسردی آخوندها برای من

جالب بود. بعد از آن به‌سرعت خود را به بیمارستان رساندم و هادی غفاری جلوی بیمارستان در حال شعاردادن بود. فرزندان آقای مفتاح نیز آنجا بودند و گفتند فردا را تعطیل کنید؛ البته شورای انقلاب این کار را نکرد. **● کدام افراد و گروه‌ها برای ارائه طرح یا دیدار با مسئولان به شورای انقلاب رفت‌وآمد داشتند؟**

برای دیدار با مرحوم بهشتی افراد متعددی می‌آمدند، ازجمله مسعود رجوی و موسی خیابانی چند بار آمدند و با دکتر بهشتی بحث داشتند. آقای بهشتی نیز خیلی خوب با آنها برخورد می‌کرد و می‌گفت مسعود جان و خیلی انسانی با آنها رفتار می‌کرد. آقای بهشتی معتقد بود اینها نیروهای انقلابی‌اند و سازمانی هستند که در به‌نتیجه‌رساندن پیروزی انقلاب نقش دارند و خواهان ارتباط صمیمانه با آنها بود. البته من در اتاق جلسات حضور نداشتم و ضبط هم نمی‌شد. یک بار هم آقای عبدالله شهبازی که از جوانوبی با ایشان آشنا بودم، به‌عنوان مسئول سازمان جوانان حزب توده ایران به شورای انقلاب آمده بود. عبدالله شهبازی پیش از انقلاب یار عزیز ما بود و یک گروه ریززمینی داشتیم؛ اما در سال ۵۰ در زندان مارکسیست شد و ما با او قطع رابطه کردیم و خبری از ایشان نداشتیم. یک شب هم آقای داع‌یی برای دیدار با آقای بهشتی به ایران آمده بود. قبل از انقلاب برنامه نهضت روحانیون را با صدای زیبای آقای داع‌یی از رادیو عراق گوش می‌دادیم، بعد برای اولین بار آقای داع‌یی را در شورای انقلاب دیدم و خیلی خوشحال شدم. آن موقع روزنامه جمهوری اسلامی مدام تیتز می‌زد قیام مردم عراق در کربلا، مردم عراق فلان و بهمان و… از آقای داع‌یی پرسیدم این اخبار روزنامه جمهوری اسلامی از عراق درست است؟ ایشان با عصیانیت گفت والله دروغ است! این خبرها در عراق نیست و این کارها خیلی بد است که چنین اخباری را می‌نویسند. این اتفاق همان شبی است که بعدها روایتی از آن نقل شد که آقای داع‌یی هم آن را تکذیب می‌کند که صدام به او گفته بود به ایران برو و بگو عراق را تحریک نکنند و…

● انتخایات ریاست‌جمهوری فصل مهمی از عملکرد شورای انقلاب است. شورای انقلاب چه عملکرد مشخصی در این زمینه داشت؟

شورای انقلاب بالاخره پنج بهمن را به عنوان روز انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد. آرام‌آرام از دی‌ماه سرروصدای کاندیداها بلند شد. بنی‌صدر آن زمان وزیر دارایی و سرپرست وزارت خارجه بود و وام چهار درصدی مسکن که خیلی از افراد با آن خانه‌دار شدند ایده بنی‌صدر بود. بنی‌صدر نیز به تنهایی تاخت‌وتاز می‌کرد و زیرکانه در قم به خدمت امام رسید و هنگام خروج از آنجا گفت من کاندیدای ریاست‌جمهوری هستم و این تصور را ایجاد کرد که مورد تأیید امام است و باقی کاندیداها نیز به صحنه آمدند. ما در دبیرخانه جلساتی چالشی با کاندیداها برگزار کردیم و اولین جلسه ر با جلال‌الدین فارسی کاندیدای حزب جمهوری اسلامی گذاشتیم. بعد هم با آقای بنی‌صدر جلسه گذاشتیم که حرف‌های تندى علیه حزب جمهوری اسلامی زد. آقای امیرخلیلی نوار جلسه را به آقای بهشتی داده بود و ایشان گفته بودند هرکدام از بچه‌ها که در جلسه بودند حرف‌های من را نیز بشنوند و در نتیجه یک جلسه دو ساعته با آقای بهشتی برگزار شد و بعد از مدتی ناگهان ماجرای افغان‌بودن جلال‌الدین فارسی مطرح شد و حزب جمهوری اسلامی در این قضیه متأسصل شد و سراغ دکتر حبیبی رفتند که با ایشان و مهندس عزت‌الله سحابی نیز جلسه داشتیم و به این طریق پنج گفت‌وگو برگزار کردیم. جزئیات جلسات در کتاب اولین رئیس‌جمهور منتشر شده و همه این مباحث از آنجا گفته شده است. به من این دلیل که این کتاب متعلق به من است اما هر ایرانی باید این کتاب را بخواند که بفهمد چه تفکری بر مسئولان در سال‌های اول انقلاب حاکم بود.

● ماجرای تعیین حقوق کارکنان شورای انقلاب توسط شما چه بود؟

یکی از موارد جالبی که در شورای انقلاب پیش آمد، ماجرای حقوق ما بود. جالب است تا دو ماه بچه‌ها خجالت می‌کشیدند برای حقوق صحبت کنند و انگار زشت بود ما اسوم پول بیاوریم، حالا شما ببینید ما که کجا به کجا رسیدیم! ما من چون بزرگ‌تر بودیم طرحی را مطرح کردم. آن زمان عمده تحولات تحت تأثیر تفکر چپ بود، این طرح نیز مبنای مارکسیستی داشت اما با آب و رنگ اسلامی؛ من گفتم خداوند نمی‌خواهد بین بندگان در امرار معاش اختلاف ایجاد شود که یک نفر کالای درجه دو مصرف کند، یک نفر کالای درجه یک و هرکسی هر استعدادی دارد باید استعداد خود را به جامعه ارائه دهد و اگر فردی استعداد خود را به جامعه ارائه نکند حرام است. بنابراین حقوق هر مبنای نیاز است که همان تئوری مارکسیستی بود. هرکس به اندازه توانایی‌اش و به هرکس به اندازه نیازاش؛ بنابراین گفتیم مبنای اجاره خانه دو هزار تومان، همسر ۵۰۰ تومان، هر فرزند ۵۰۰ تومان و در نهایت به یک نرخ رسیدیم. حقوق من سه هزار تومان شد؛ چون من هسمر و یک فرزند داشتم آقای امیرخلیلی که رئیس بود حقوقش دو هزار تومان شد، چون در خانه پدری‌اش بود و مجرد بود و بالاترین حقوق به آقا‌ایوب، آبدارچی شورای انقلاب تعلق گرفت که هفت هزار تومان بود. آن موقع آقای حبیبی وزیر علوم و سخنگوی شورای انقلاب بود. شب‌ها که از جلسه بیرون می‌آمد من خبرنگاران را سامان می‌دادم و کنار آقای حبیبی می‌نشستم و ایشان پاسخ می‌داد. در آنجا آقای حبیبی آرام به من گفت مظفر ماجرای حقوق در دبیرخانه چیست؟ گفتم شما از کجا خبر دارید؟ گفت آقای بهشتی امروز در جلسه رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور ماجرای حقوق شما را نقل کرد و گفت این است تحول انقلابی! جوانان عضو دبیرخانه شورای انقلاب یک چنین فرمولی رای خود ایجاد کرده‌اند. حالا تصور کنید من یک جوان نخبه با تفکرات انقلابی آن طرف آقای بهشتی با سن و سال و علم و معرفت این طرف آقای دکتر حبیبی تحصیل‌کرده فرانسه و شاگرد گورویچ و… می‌خواهم بگویم آرمان‌گرایی آن زمان ربطی به سن و سال و تحصیلات نداشت

شما ببینید در چه عالمی سیر می‌کردیم.

● انحلال روابط عمومی شورای انقلاب چگونه رقم خورد؟

بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری، شورای انقلاب منحل نمی‌شد، چون مجلس نداشتیم. من تصمیم گرفتم از شیراز کاندیدا شوم و دوستان شورای انقلاب و مجاهدین انقلاب اسلامی و انجمن زنان مسلمان و انجمن معلمان نیز از من برای کاندیداتوری مجلس از شیراز حمایت کردند. سعید شاهسوندی از طریق مجاهدین خلق، عطاءالله مهاجرانی و صباح زنگنه و مصطفی معین نیز از دانشگاه کاندیدا شده بودند. متأسفانه چون من مدتی شیراز نبودم و یک جریان قوی در دانشگاه از صباح زنگنه و مهاجرانی حمایت می‌کرد، شانس کم بود. ما شیراز‌ها یک ضرب‌المثلی داریم که ما غریب‌نواز و خودی‌گذازم، اینکه می‌گویند شیراز‌ها میهمان‌نواز هستند این است که با غریبه به‌مراتب بهتر از خودشان هستند. در مجلس اول هم ببینید سه نماینده شیراز چه کسانی بودند، آقای معین از نجف‌آباد، آقای مهاجرانی از اراک و آقای زنگنه متولد عراق؛ یعنی محمدجواد مظفر را که در سال ۴۹ برای دفاع از مرجعیت امام زندان رفته و در کنار خانواده دستغیب فعالیت سیاسی داشته است، کنار می‌زنند. آن زمان آقای سیدعلی محمد دستغیب به من گفت تو به نفع مهاجرانی کنار برو، ما در حمایت از تو متنی را در تلویزیون می‌خوانیم، من هم گفتم چنین کاری نمی‌کنم. تعداد رای اندکی نیز آوردم اما طبیعی بود که وقتی از سوی آنها حمایت نشدم، رای نیز نیاوردم. سعید شاهسوندی نیز نتوانست رای بیاورد و به این طریق من به تهران برگشتم.

ادامه در صفحه ۳

ادامه از صفحه اول

نظرات اثربخش، حلقه مفقوده دولت سیزدهم

...بنابراین هر چقدر این زمان طلایی بگذرد و از فصل تغییرات دور شویم، عزل و نصب این ۸۰۰ بست سیاسی کشور که همه میدان حرفه‌ای تغییرات آن را بعد از پیروزی هر جریانی در انتخابات به‌راحتی می‌پذیرند، بسیار بسیار دشوار خواهد شد؛ به گونه‌ای که پس از این دوران، تغییرات هریک از آنها مستلزم جراحی‌های سنگین و خون‌ریزی‌های فراوان خواهد بود. کمترین تأثیر این نوع ناهماهنگی‌ها، بین مدل ذهنی وزیر، با مدل ذهنی معاونان او، بروز ناکارآمدی‌ها است که می‌تواند به‌سرعت در استان‌ها ظهور و بروز پیدا کند. وزیری که بادش می‌رود همراه تیم رئیس‌جمهور و به مدد رای همفکران خود پیروز انتخابات شده و بر مسند وزارت تکیه زده است، حالا پس از گرفتن رای اعتماد، ادعای فرانحاصی می‌کند و می‌گوید می‌توانم با هر مدیری در جمهوری اسلامی کار کنم. نمی‌داند که بر همگان واضح و مبهن است که او با این روش قصد دارد روپوشی را روی «عدم شجاعت خود در تغییر مدیران» یا «ناتوانی در تشکیل تیم متخصص و همراه تا زمان وزارتش» بپوشاند و غافل از اینکه ساعت شنی زمان مدیریت او لحظه به لحظه رو به پایان است و او با این نوع تعلل‌ها و تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها باعث می‌شود که وعده‌های رئیس‌جمهور نیز یکی پس از دیگری مرده به دنیا بیایند؛ بنابراین وزیری که پشت به قبله نماز می‌خواند، یعنی عکس اهداف دولت سیزدهم قدم برمی‌دارد و مجموعه را ناهماهنگ می‌کند، رئیس‌جمهور نباید برای تعویض او اصلا تردید کند؛ زیرا ناواننده‌ای که هرچقدر هم در ناوختن یک سار در یک ارکستر ۳۰ نفره (هنیت دولت) مهارت و تخصص داشته باشد؛ ولی ساز مخالف بزند یا ساکت به دستان رهبر ارکستر خیره بماند، باید هرچه سریع‌تر تعویض شود؛ بنابراین اگر جهت نظارت از استان‌ها به وزارتخانه‌ها تغییر پیدا کند و مطالبه‌گری با شدت بیشتری از وزرا صورت بگیرد، آن وقت وزیران محترم هم فعالیت‌تر خواهند شد و تیم خود را به‌سرعت ساماندهی و فرایند‌ها را به دقت اصلاح می‌کنند و با یک «چابک‌سازی ساختار»، منسجم‌تر برای افزایش بهره‌وری گام برمی‌دارند. در غیراین‌صورت اگر ایسن روال ادامه پیدا کند، با توجه به آقا‌یی رئیسی سراغ داریم ۵۰ درصد از همین وزرا و استانداران فعلی در دو سال بعد در این دولت حضور نخواهند داشت؛ بنابراین وزرای عزیز باید عجله کنند؛ چراکه رئیس‌جمهور منتظر آنها نخواهد ماند. ایجاد نظارت هوشمند و هماهنگی مؤثر، دو‌عنصر‌کلیدی موفقیت در دولت سیزدهم خواهند بود.

گریز از کار در بخش تولید

دستمزدهای پایین و ساعات طولانی کار و رفت‌وآمد از منزل تا محل کار، وقت آزادی برای آنکه کارگر به خانواده و دیگران بیندیشد باقی نمی‌گذارد در نتیجه کارگران علاوه بر محل کار و در روند تولید، در زمینه خانوادگی نیز دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند. کارگران بنگاه تولیدی اغلب شرایط کاری خود را با سایر مشاغل مقایسه می‌کنند. در مقایسه با مشاغل خدماتی و خرید و فروش احساس نابرابری و فرودستی دارند در حالی‌که جزء کارگران مولد هستند و سهم زیادی در ارزش‌افزوده محصول نهایی دارند. این کارگران احساس می‌کنند نسبت به ساعات کاری که مشغول فعالیت هستند در دستمزدها و سود در پایین‌ترین مرتبه قرار دارند، در چنین شرایطی که دستمزدها از حداقل زندگی کمتر است کارگر نمی‌تواند نیروی خود را بازباید و مایحتاج خانواده را تأمین کند که نتیجه آن شکل‌گیری شاغلان فقر است. شرایط نامناسب کاری مانع جدی بر سر فرهنگ و اخلاق کار و زمینه‌ساز بیگانگی از کار است. بیگانگی کارگر تولیدی از درون تولید آغاز می‌شود و سپس در فعالیت‌های روزانه دیگر رخ می‌دهد. کارگری که شرایط نامناسب کاری را تجربه می‌کند از کار بیگانه می‌شود و سپس این روند در عرصه خانواده و سایر افراد ادامه می‌یابد. اگرچه شرایط کاری که در آن روابط انسانی و ارتباطات غیررسمی میان کارگران وجود دارد از نظر کارگران شرط لازم در کاهش بیگانگی و گسترش فرهنگ کار است اما شرط کافی نیست. نتایج نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای است که صاحبان بنگاه‌های تولیدی (کارفرمایان) وقت و توان اندیشیدن به بهبود شرایط کارگران را ندارند. و این مسئله در اولویت کاری کارفرمایان قرار ندارد. برای بهبود شرایط کاری کارگران مواعی است که کارفرما باید برطرف کند مانند: وضع بهداشتی محیط کار، شرایطی که کارفرما باید به وجود بیاورد مانند توجه به نیازهای کلامی کارگران و رفع برخی موانع مانند بهبود کسب‌وکار، ثبات اقتصادی یواسازی فضایی اقتصادی که به حمایت‌های دولتی برمی‌گردد. در این میان باید به نکته مهمی توجه کرد و آن این است که نسبت‌دادن همه مؤلفه‌های شرایط نامناسب کاری به شرایط اقتصادی مانع از توجه به اشتباهات کارفرمایان در نحوه مدیریت بنگاه تولیدی است. برخی شرایط که بیان شد مانند نبود شرایط انسانی (کلامی) مناسب، کافی‌نبودن امکانات بهداشتی و رفاهی خطای کارفرمایان است که مسئول پیامدهای بیگانگی از کار و اصابات‌ذهنی از کار مولد هستند.